

Reflecting the connection between poetry and history in the two works "History of Ilchi Nizam Shah" and "Masnavi Shah Ismailnameh" based on political history and poetic functions

Abstract:

The presence of poetry in Persian prose almost began from the second half of the fifth century AH. Historians have also included many poems in the historical books of different periods. The history of Ilchi Nizam Shah and Shah IsmailName are two of the historical works from the Safavid era which are written respectively in prose and poetry. The author of the Ilchi history has brought a lot of poetic evidence from the poets of his time and his predecessors which have allocated the most statistics in the meantime the poems of Shah IsmailName. In the present study, according to Master Bahar, these poems have been divided in three groups: With narrative, descriptive and moral functions, and by showing some obvious literary themes and themes in the poems that are generally repeated in most literary works. It is implicitly discussed why they are used and their role and influence on the coherence of the text and their effect on the reader, in order to determine to what extent their harmony with the historical text is thematically and literary. It was Statistically determined that Khorshah has used the poems of Shah IsmailName in 31 cases, which are with narrative function in 16, moral,in 8 and descriptive in 7. And it is observed during these poems; religious beliefs, ancient beliefs, mythological concepts and specific uses of words and phrases.

Key words: History, History of Ilchi Nizam Shah, Shah Ismailnameh, poem, Function of poems, literary themes

پیوند شعر و تاریخ در دو اثر "تاریخ ایلچی نظامشاه" و "مثنوی شاه اسماعیل نامه" با تکیه بر تاریخ سیاسی و کارکردهای شعری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۳

سمیرا سام زاده^۱

داریوش کاظمی^۲

محمد حجت^۳

چکیده

حضور شعر در نثر فارسی تقریباً از نیمه دوم قرن پنجم هجری آغاز شد. در کتب تاریخی ادوار مختلف، مورخین اشعار فراوانی را درج کرده‌اند. تاریخ ایلچی نظامشاه و شاه اسماعیل نامه دو اثر تاریخی از دوران صفویه هستند که به ترتیب در نثر و نظم نوشته شده‌اند. مؤلف تاریخ ایلچی، شواهد شعری فراوانی از شعرای هم‌عصر و متقدمین خود آورده؛ که در این بین اشعار شاه اسماعیل نامه بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است. در پژوهش حاضر این اشعار در سه گروه با کارکرد روایی، وصفی و اخلاقی، منظور گشته‌اند و با نشان دادن برخی مضامین و بن‌مایه‌های ادبی بارز در اشعار؛ که عموماً در اکثر آثار ادبی تکرار می‌شود به‌طور ضمنی به چرایی استفاده و نقش و تأثیر آنها در انسجام متن و همچنین تأثیر آنها بر خواننده، پرداخته شده است تا مشخص گردد که هماهنگی آنها با متن تاریخ از نظر موضوعی و ادبی تا چه حد است. از لحاظ آماری مشخص گردید که در ۳۱ مورد خورشاه (مؤلف تاریخ ایلچی) از اشعار شاه اسماعیل نامه بهره برده است که؛ ۱۶ مورد با کارکرد روایی، ۸ مورد اخلاقی و ۷ مورد وصفی هستند. و در خلال این اشعار؛ اعتقادات مذهبی، باورهای کهن، مفاهیم اساطیری مشاهده می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ، تاریخ ایلچی نظامشاه، شاه اسماعیل نامه، شعر، کارکرد اشعار، مضامین ادبی.

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. samirasam8@gmail.com

^۲استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) d_kazemi@iauk.ac.ir

^۳نادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران mohammed_1457@yahoo.com

متون تاریخی و متون ادبی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و این ارتباط گاهی آنقدر نزدیک است که نمی‌توان بین این دو تفاوت گذاشت. از این رو شاید بتوان ادبیات را زبان دوم تاریخ نامید که با بلاغت و شیوایی هنری خویش، جذابیت خاصی به متن تاریخ داده است. تداوم و رواج تاریخ‌نگاری فارسی پس از اسلام، به میزان زیادی مدیون ادیبان یا دبیرانی است که می‌توان از آنها به عنوان دبیر مورخ یاد کرد. این نویسندگان که در خدمت دربارها بوده‌اند، وظایف مختلفی بر عهده داشتند؛ از آنجا که ادبیات تنها ابزار تبلیغی این حکومت‌ها بود، نویسندگان باید فنون و صنایع ادبی را به خوبی می‌دانست و نیز وظیفه داشت وقایع تاریخی مربوط به حکومت معاصر خود را بنویسد و با نوشته‌اش موقعیت‌های آن حکومت را بازگو و ماندگار سازد. این دبیران، طبیعتاً از تمام توانایی‌های ادبی خود در نوشتن تاریخ بهره می‌گرفتند و کتاب آنها هم، ترکیبی بود از مواد تاریخی و خصوصیات ادبی، در حقیقت تاریخ را ادیبانه می‌نوشتند. یکی از مهم‌ترین منابع آگاهی مورخان، اشعار شاعران است. تقریباً در تمامی انواع شعر، می‌توان مطالبی در مورد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران یافت؛ شعر همواره در جامعه ایران به عنوان یکی از اثرگذارترین و اصیل‌ترین هنرها در دوره‌های مختلف مطرح شده و در فرهنگ ایران آینه تمام‌نمای هويت، تاریخ و اجتماع بوده است. در دوره‌هایی به‌عنوان قوی‌ترین رسانه ملی عمل کرده و برای برخی از فرقه‌ها و تشکیلات، زمینه‌ای برای بیان افکار و عقاید فراهم آورده است. خلفا و سلاطین از شعر، بعنوان بلندگوی جاندار برای نشر محامد و مقاصد خود استفاده کرده‌اند. از این رو قولی که می‌گوید شعر فقط موضوع لذت و تمتع است امری نیست که موضوع شناخت واقع شود، بدون شک بهانه‌ی کاهلانه برای گریز از جستجو است. با اینهمه، «می‌توان پذیرفت که در شعر و همچنین در نثر و در هر اثر هنری بهر حال یک شرط عمده است و آن عبارت است از معنی و مقصد» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۴۵).

«استعمال شعر در ضمن نثر از اواسط قرن پنجم هجری میان نویسندگان رواج گرفت و این امر وسیله‌ای برای اطناب سخن و حُسن تأثیر آن شد و تا دیرگاهی در نثر پارسی باقی ماند» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۸۰). علاقه به نگارش کتب تاریخی که بعد از حمله مغول رواج یافته بود تا عصر صفوی ادامه یافت (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۵۹). «از دوره صفویان به بعد داستان‌های حماسی، تاریخی و دینی جای حماسه‌های ملی را گرفت. روی کار آمدن صفویان و توجهی که این سلسله به مذهب تشیع داشتند، سبب شد تا شاعران، شاه را فرد اکمل مذهب تشیع وانمود کنند و او را به عنوان مرشد و مراد، مورد ستایش قرار دهند و منظومه‌های تاریخی و دینی فراوان بیافرینند که در شرح فتوحات پادشاهان صفوی، همچون شاه اسماعیل بود» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۴۱).

منظومه شاه اسماعیل نامه نمونه‌ای از همین آثار است. همچنین از کتاب‌های مهم تاریخی که در دوره صفویه به رشته تحریر درآمده تاریخ ایلچی نظام شاه است. این کتاب در یک مقدمه و هفت مقاله نگارش یافته است. خورشاه، کتاب را در سال ۹۷۱ ق نوشته و محمدرضا نصیری و کوئیچی هانده‌دا، دو مقاله از آن را که به تاریخ صفویه و پادشاهان هندوستان مربوط است، در سال ۱۳۷۹ ش با عنوان تاریخ ایلچی نظام شاه: -تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ ق- گردآوری کرده‌اند. خورشاه در لابه‌لای مطالب به مناسبت‌هایی، اشعار بزرگان ادب فارسی و از جمله قاسمی گنابادی را - که از شعرای قرن دهم، معاصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب، مؤلف منظومه حماسی -تاریخی شاه اسماعیل نامه یا شاهنامه ماضی است - آورده است. کتاب او، درباره‌ی شاه اسماعیل صفوی و توصیف پهلوانی‌ها و کشورگشایی‌های او است. قاسمی این اثر را به دستور شاه طهماسب سرود و پس از اتمام آن، دفتری دیگر درباره‌ی شاه طهماسب به شعر درآورد و این دو دفتر را شه‌نامه نامید که

نام دیگر آن شاهنامه قاسمی است. با این مقدمه و از آنجایی که درصد قابل توجهی از اشعار به کار رفته در تاریخ ایلچی را اشعار قاسمی گنابادی به خود اختصاص داده است؛ این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، تنظیم شده است و در صدد آشکار ساختن هماهنگی موضوعی دو متن تاریخی (نثر و نظم) و برجسته ساختن جنبه‌های ادبی، اسطوره‌ای و اعتقادی نهفته در اشعار با توجه به موقعیت زمانی آن دوره است. و تا حدودی رویکردها و دلایل انتخاب نویسنده را آشکار می‌سازد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقاتی درخصوص اثر حماسی-تاریخی شاه اسماعیل‌نامه قاسمی گنابادی انجام شده که تعدادی از آنها عبارت‌اند از: «اسماعیل‌نامه: شعر و تاریخ» (فراهانی، ۱۳۸۸)؛ که به تحلیل و بررسی محتوای کتاب از نظر روند تاریخی وقایع و در بخش‌هایی، مقایسه با سایر کتاب‌ها پرداخته است. «بازتاب شاهنامه‌ی فردوسی در شاه اسماعیل‌نامه‌ی قاسمی گنابادی» (حسن‌آبادی و رضایی، ۱۳۹۵)؛ با ذکر شواهدی به تأثیرات شاهنامه حکیم فردوسی بر شاه اسماعیل‌نامه و نقد و تحلیل و مقایسه‌ی دو اثر پرداخته است. «تبیین جنبه‌های نوآورانه و خلاقیت تصویری در شاهنامه قاسمی» (رجبی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۱)؛ به بررسی نسخه‌ای از این کتاب می‌پردازد و هدف آن آشکار ساختن ویژگی‌های صفحه‌آرایی و ترکیب‌بندی و انگیزه‌های تولید این نسخه بدیع است. «مجلس‌های نگاره شاهنامه قاسمی» (نفیسی، ۱۳۷۸)؛ به بررسی و تطبیق نگاره‌ها با مجالس موجود در شاهنامه پرداخته است. در مقاله «سابقه‌ی تواریخ منظوم فارسی» (امین، ۱۳۸۸)؛ ذکری از این اثر شده است. همچنین در مقاله «حماسه‌های تاریخی و دینی در عهد صفوی» (صفا، ۱۳۶۱)؛ نیز به ذکر و شرح این منظومه پرداخته شده است. اما تحقیق پیش رو به بررسی کارکردهای اشعار این منظومه در کتاب تاریخ ایلچی نظام‌شاه پرداخته است که مشابهی ندارد. همچنین درباره‌ی شواهد شعری تاریخ ایلچی هیچ‌گونه پژوهشی یافت نگردید.

۲. تاریخ ایلچی و مؤلف آن

تاریخ ایلچی نظام‌شاه کتابی مشروح و بزرگ است که با مراجعه به مأخذهای مختلف به نگارش درآمده است. این کتاب برگرفته از تاریخ‌های عمومی گوناگون است (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۶۵۵). هم‌زمان با حکومت خاندان صفوی در ایران، نظام شاهیان نیز در ولایت احمدنگر دکن بساط حکومت خود را گسترده بودند. برهان شاه‌مردی ادیب و شاعری پارسی‌گو بود و از مروّجان زبان فارسی در جنوب هندوستان محسوب می‌شد که به اهل فضل و ادب احترام می‌گذاشت. علاقه و توجه برهان شاه به شعر و ادب سبب شد که شاعران، ادیبان، عارفان، مورّخان و منشیان به دربار وی روی آورند. بسیاری از افراد فاضلی که در قرن دهم و یازدهم به هندوستان رفتند در خدمت نظام شاهیان بودند (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۵). خورشاه‌بن قباد حسینی (مؤلف کتاب) یکی از آن جمله است. از زندگی و شرح حال وی اطلاعات چندانی در دست نیست؛ «همان قدر می‌دانیم که ایرانی‌زاده و شیعی‌مذهب و متولّد عراق عجم و از زمهری تاریخ‌نویسان دربار برهان شاه دکنی بوده است» (صفا، ۱۳۷۸: ج ۵: ۱۶۵۴).

"سیدعلی طباطبائی" صاحب کتاب برهان‌مآثر، وی را از خویشاوندان شاه طاهر می‌داند که به هند مهاجرت کرده و وارد دربار نظام‌شاهی شده است (طباطبائی، ۱۳۱۵: ۲۹۰).

خورشاه بر اساس نوشته‌ی خود در رجب ۹۵۲ ه. ق. از جانب برهان شاه و شاه طاهر، در مقام سفارت به همراه هیأتی رهسپار ایران شد و در قزوین به حضور شاه طهماسب رسید و مدت یک سال و نیم در خدمت شاه طهماسب ماند و به همین سبب به «ایلچی نظام شاه» اشتهار یافت (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۱). وی در رکاب شاه

طهما سب به گرجستان و شروان رفت و خود نیز سفرهایی در نواحی ایران و از آن جمله به گیلان و مازندران کرد و تا سال ۹۷۱ ه در ایران و سرگرم تألیف کتاب خود بود و چون به هند بازگشت به دربار قطبشاهیان گلکنده (غلکنده) پیوست و در خدمت ابراهیم قطبشاه^۳ (۹۵۷-۹۸۹ ه) درآمد و همان جا ماند و کتاب خود معروف به تاریخ ایلچی نظامشاه را که تا آخرهای زندگانی سرگرم فراهم آوردن آن بود به نام پادشاه یاد شده درآورد تا در ۲۵ ذوالقعدة سال ۹۷۲ درگذشت (صفا، ۱۳۷۸: ج ۵، ۱۶۵۵).

۳. شاه اسماعیل نامه و مؤلف آن

شاه اسماعیل نامه، اثری است تاریخی در بحر متقارب، این مثنوی را می توان نوعی منظومه حماسی-تاریخی دانست که شاعر در آن، قهرمانی های شاه اسماعیل را به زبان شعر درآورده است؛ البته جنبه تاریخی آن به علت نزدیکی اثر به زمان حوادث بیشتر است. قاسمی این اثر را به دستور شاه طهما سب سرود. «شمار ابیات شاه اسماعیل نامه، به اعتبار اکثر نسخ ۴۳۵۲ بیت است. زمان شروع سرودن اثر معلوم نیست. اما زمان اتمام آن سال ۹۴۰ ق، یعنی ده سال پس از مرگ شاه اسماعیل است» (قاسمی، ۱۳۸۷: ۶).

از زندگی و احوال قاسمی حسینی گنابادی، نسبت به آثار تقریباً فراوان او، از قبیل گوی و چوگان، شاهرخ نامه، خسرو شیرین، عمده اشعار، زبده اشعار و لیلی و مجنون آگاهی بسیاری در دست نیست. «نامش را محمد قاسم و نام پدرش را عبدالله مشهور به «امیرسید» گنابادی نوشته اند. اصل او را از سادات جنابد (از نواحی نیشابور) و از «معارف» آن سامان دانسته اند» (همان: ۳). کلاتری گناباد را خاندان او داشتند و این مقام، به ارث به محمد قاسم می رسد؛ ولی او این شغل را به برادر خود میرزا ابوالفتح واگذاشت و خود در لباس فقرا درآمد و به شاعری پرداخت (صفا، ۱۳۹۰: ۳۶۰). علاوه بر آن، املاکش را، که دو هزار تومان در آن روزگار می ارزید، وقف آستان مبارک امام رضا کرد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۴).

۴. شعرا در تاریخ ایلچی

مؤلف در جای جای اثرش، به اشعاری استشهد و استناد کرده است؛ تعدادی به مناسبت ذکر نام و احوال شاعران آن روزگار نقل شده، تعدادی هم با جست و جو در دیوان شعرا یافت گردید؛ ابیاتی نیز وجود دارد که به نام شاعر آن اشاره نشده و در دیوان شعرای مشهور هم یافت نشد و چه بسا که تعدادی از آنها سروده وی باشند؛ چنانکه ذکر گردید همه مورخین و منشیان درباره آشنا به فنون ادبی بوده و اکثراً دستی در شعر و شاعری هم داشته اند. جدول زیر بر اساس فراوانی اشعار تنظیم گردیده است.

ردیف	امی	ن	رد
	لف (حسینی)		بد
	سمی گنابادی		مورد
	امی گنجوی		مورد
	بدی		مورد
	فظ		مورد
	رخسرو دهلوی	۸	مورد
	دوسی	۵	مورد
	دی تهرانی	۱۰	مورد

مورد		مان ساوجی
مورد		ه طاهر
مورد		بال الدین اسماعیل
مورد		لوی
مورد		دی توسی
مورد		ری
مورد	۷	حدالدین کرمانی
مورد		می
مورد		مال الدین بداؤنی
مورد	۱۱ و	ن احمد
مورد		صخرخان
مورد		نا اصفهانی
مورد		م میرزا
مورد		طمان سلیم عثمانی
مورد	۱۰	ه طهماسب
مورد	۱۰	دالواسع نظامی
مورد		بد
مورد	۷	بار
مورد	۵	صری
مورد		نمد خدابنده
مورد	۱۰	ز شاه حسین

۵. قالب‌های شعری مشخص شده در کتاب تاریخ ایلچی

در جدول زیر قالب‌های مشخص شده در شواهد شعری تاریخ ایلچی براساس فراوانی ذکر گردیده‌اند؛ البته ذکر این نکته لازم است؛ که قالب شعری شمار زیادی از اشعار مشخص نگردید.

ردیف	قالب شعری	تعداد
۱	لوی	۱ مورد
۲	بیده	مورد
۳	عی	مورد
۴	ل	مورد
۵	عه	مورد

بیشترین قالب شعری تضمین شده در این اثر مثنوی بوده؛ چنانچه به عقیده "همایی"،

«عده‌ی ابیات و وزن مثنوی محدود نیست؛ بدین سبب این نوع شعر را اکثراً برای ساختن تواریخ و قصص و افسانه‌های طولانی به کار می‌برند» (۱۳۸۹: ۱۰۸).

شعر در قالب مثنوی در اوزان متنوعی در زبان فارسی سروده شده و از متداول‌ترین آنها وزن عروضی «فعولن، فعولن، فعولن، فعل»، در بحر متقارب (وزن شاهنامه فردوسی) است. انگار وزن شاهنامه مورد پسند تاریخ‌نویسان از قرن ششم به بعد بوده است. در دوره‌ی صفویه نیز استفاده از اشعار در بحر متقارب چشمگیر است؛ به طوری که در حبیب‌السیر، ظفرنامه شاهی، ظفرنامه‌ی شرف‌الدین علی یزدی، مطلع‌السعدین، عالم‌آرای عباسی، جهان‌آرای عباسی و احیاءالملوک نیز بیشتر اشعار در بحر متقارب هستند. در این بین خورشاه بیش از دیگر نویسندگان کتاب‌های تاریخی از اشعار مذکور استفاده کرده و طبیعتاً کیفیت حماسی بیشتری به اثر خویش بخشیده است.

۶. شعر و کاربرد آن

شعر، فشرده‌ترین و تمرکز یافته‌ترین شکل ادبیات است که بیشترین حرف را در حداقل تعداد واژه بیان می‌کند؛ زبانی است که هر خط از آن به خاطر درخشش خود و یا به خاطر اینکه بسیار قدرتمندانه بر مآوِج تمرکز می‌یابد، دارای پتانسیلی بالاتر از زبان عادی است (پرین، ۱۳۷۶: ۱۱). در زبان روزمره، کلمات طوری به کار می‌روند که توجه ما را جلب نمی‌کنند، ولی در شعر، و ای بسا که با خلاقیتی ماهرانه، این کلمات حیاتی دوباره می‌یابند. «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده‌ی شعر با شعر خود، عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده، میان زبان شعری او، و زبان روزمره و عادی تمایز احساس می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۳).

تاریخ دقیق ورود شعر به نثر و امتزاج این دو به روشنی مشخص نیست. آنچه برمی‌آید، تقدّم تاریخی شعر بر نثر (نثر مکتوب) و حضور پر قدرت آن در مبانی اعتقادی و اندیشه کهن بشری، به ویژه کتب دینی و اسطوره‌ای پیشینیان است (ثمینی، ۱۳۷۹: ۱۶۴). شعر همواره در جامعه ایران به عنوان یکی از اثرگذارترین و اصیل‌ترین هنرها در دوره‌های مختلف مطرح شده و در فرهنگ ایران آئینه تمام‌نمای هویت، تاریخ و اجتماع بوده است. در دوره‌هایی به‌عنوان قوی‌ترین رسانه ملی عمل کرده و برای برخی از فرقه‌ها و تشکیلات، زمینه‌ای برای بیان افکار و عقاید فراهم آورده است. خلفا و سلاطین از شعرا، بعنوان بلندگوی جاندار برای نشر محامد و مقاصد خود استفاده کرده‌اند. از این رو قولی که می‌گوید شعر فقط موضوع لذت و تمتع است امری نیست که موضوع شناخت واقع شود، بدون شک بهانه‌ی کاهلانه برای گریز از جستجو است. با اینهمه، «می‌توان پذیرفت که در شعر و همچنین در نثر و در هر اثر هنری به‌رحال یک شرط عمده است و آن عبارت است از معنی و مقصد» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۴۵).

۷. نحوه بررسی کارکردهای شعری «شاه اسماعیل نامه» در کتاب «تاریخ ایلچی»

در این پژوهش، ابتدا شواهد شعری در سه دسته روایی، وصفی و اخلاقی منظور گشته و سپس به ذکر و تشریح برخی مضامین از قبیل «اساطیری»، «دینی»، «نجومی» و باورهای کهن پرداخته شده است. در کارکرد روایی، تاریخ‌نگار سخن خود را با تکیه بر بیت یا ابیاتی از شعر تأیید می‌کند. به گفته «خطیبی»، «ارتباط معنایی به طریق تمیم و تکمیل بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید» (۱۳۶۶: ۲۰۳).

در این شیوه بهره‌گیری از ابیات در لابه‌لای متن، کاملاً در هماهنگی با موضوع و به عنوان منبع و سندی، جهت تأیید سخن مورخ است و اشعار، دقیقاً معنی بیان شده در نثر را بازگو می‌کنند و به جهت هم‌زمانی با رخداد مورد نظر، شعر از صداقت بیشتری برخوردار است و احتمال اینکه از لغزش و تغییرات به دور مانده باشد، بیشتر است. از این رو صحت حادثه‌ی روایت شده از سوی تاریخ‌نگار را تأیید کرده است. دوم، کارکرد و صفی است؛ که شامل اشعاری در وصف پدیده‌های گوناگون است. "رستگارفسای" و صف را نقاشی و تابلوسازی می‌داند که شاعر به مجسم نمودن مشهودات و محسوسات طبیعی و جسمانی مانند توصیف مناظر مختلف طبیعت، مجالس بزم، معرکه‌های رزم و شکار یا جمال معشوق می‌پردازد و یا حالات روحانی و تأثرات نفسانی خود را چون عشق و نفرت و مهر و کین ... تصویر می‌نماید (۱۳۸۰: ۱۴۴). سوم، کارکرد اخلاقی است؛ ادبیات با اخلاق پیوندی دیرینه و عمیق دارد. شاعران و نویسندگان همه ملت‌ها، سروده‌ها و نوشته‌هایی دارند که در آنها، راه بهتر زیستن و خوشبختی و سعادت را نشان می‌دهند. «دراروپا، دوره بعد از رنسانس بر این عقیده بوده‌اند که، شاعر یا نویسنده مسئولیتی اجتماعی دارد و نباید از تأثیر اخلاقی اثر خود غافل بماند» (گریس، ۱۳۶۷: ۳۹). این نگرش در اکثر «آثار ادبی» فارسی هم دیده می‌شود. برخی نوشته‌ها مانند منظومه بوستان و مثنوی معنوی، با هدف تعلیم مبانی اخلاقی و فلسفی سروده شده‌اند و برخی دیگر هم که با موضوعات غنایی و حماسی خلق شده‌اند، به طور ضمنی به این امر منتج شده‌اند. بارزترین آن شاهنامه حکیم فردوسی است که برجسته‌ترین، والاترین و برانگیزاننده‌ترین مفاهیم پندی، حکمی و عبرت‌آمیز را در برمی‌گیرد. در شواهد شعری مورد بحث در این پژوهش نیز برخی مضامین اخلاقی به چشم می‌خورد. خورشاه با استمداد از ابیات شاه اسماعیل‌نامه این مفاهیم را در ذهن خوانندگان جای‌گیر ساخته است.

۱.۷ اشعار با کارکرد روایی

در کتاب تاریخ ایلچی، ۴۱ بیت از اشعار قاسمی گنابادی با کارکرد روایی استفاده شده که در رویدادهای: کشته شدن سلطان حیدر، شرح نبرد شاه اسماعیل و فرخ یسار، فرار شروانیان، جلوس شاه اسماعیل در تبریز، گفت‌وگو و رویارویی با سلطان مراد و کارکیا، دستگیری محمد کرای، به مجازات رساندن اشرار، تسخیر حصارها و امان‌خواهی ساکنان آنها، حرکت شاه اسماعیل بسوی بغداد، رویارویی با ازبکان، زیارت امام هشتم شیعیان، حرکت سپاه شاه طهما سب بسوی بغداد و حمله سپاه شاه طهما سب به ولایت آق شهر با متن تاریخ ایلچی هم‌سخن شده‌اند. نمونه‌ای از آن: (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۲)

موضوع: در بیان نبرد شاه اسماعیل با شروانیان و به قتل رسیدن شروان شاه.

شاهد: «شروان شاه با جمعی از امیران و لشکر بسیار در آن معرکه به قتل رسید».

برای مشاهده

شواهد دیگر سپاه مخالف از آن رستخیز

بنگرید به: گرفتار شد شاه شروان اساس

(حسینی، کسی کاید از جان شیرین به سیر

قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

۱۳۷۹: ۴، ۹

۱۶، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۱۰۳، ۱۵۹

۲.۷ اشعار با کارکرد وصفی

دوازده بیت از ابیات شاه اسماعیل نامه در کتاب تاریخ ایلچی به وصف شاه اسماعیل، سپاه سلطان مراد و شاه اسماعیل، صحنه نبرد بین لشکر شاه اسماعیل و شیبیک خان ازبک؛ نبرد لشکر شاه طهماسب به منظور تسخیر حصار ازبکان، اسبان و شهر تبریز پرداخته است. ناهم خوانی موضوعی در دو کتاب در سه مورد آن مشاهده می‌شود. نمونه‌های از آن:

موضوع: در بیان آیین‌بندی و آراستن شهر تبریز به دستور شاه طهماسب، برای استقبال از همایون شاه؛ از شعری که قاسمی در توصیف شهر هرات سروده استفاده شده است.
شاهد: «اهالی تبریز به موجب فرمان جهان مطاع شهر و بازار را آیین‌بندی کرده به نوعی بیاراستند که دیده خرد از مشاهده آن خیره می‌گشت» (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

چه شهری که شد رشک خلد برین	بود متفق حور و غلمان برین
سوادش چو صحرای چین مشکبار	بود مردم دیده روزگار

(قاسمی، ۱۳۸۷: ۳۳۲)

برای مشاهده شواهد بیشتر بنگرید به: (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۱، ۵۲، ۹۹، ۱۰۷)

۳.۷ اشعار با کارکرد اخلاقی

خورشاه در تاریخ ایلچی بعد از بیان موضوعات: کشته شدن سلطان حیدر، شکست سپاه الوند میرزا از سپاه شاه اسماعیل، به ایلی خواندن سلطان مراد از سوی شاه اسماعیل، مشورت سلطان مراد با امرا، از زبان هم‌دستان سلطان مراد، یاغیگری محمد کرایبی در یزد، فرار شیبیک خان ازبک و گرفتار شدن سپاه شیبیک خان در حصار، حدود ۱۸ بیت از اشعار شاه اسماعیل نامه را که حاوی نکات آموزنده و پند و عبرت است و غالباً جنبه ضرب‌المثل دارد، اقتباس کرده است. مضامینی که از خلال این ابیات برمی‌آید عمدتاً عبارتند از: مرگ‌باوری، بی‌اعتباری دنیا، پرهیز از غرور و خودرایی، سنجش قدرت، حفظ پیوند دوستی، اعتماد به نفس و حفظ قدرت و موقعیت، توجه به باطن و شناخت انسان بدسرشت و عدم غفلت از قدرت بالاتر. نمونه‌ای از آن:

موضوع: در بیان فرستادن ایلچی از سوی شاه اسماعیل نزد سلطان مراد و خواندن او به انقیاد و ایلی.
شاهد: «حضرت شاه دین‌پناه قبل از محاربه و مضاربه، ایلچی نزد سلطان مراد فرستاد و او را به ایلی و انقیاد خوانده پیغام داد» (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۹).

مباش از می سلطنت سرگران	که شد وقت سرمستی دیگران
مزن نوبت سلطنت را بسی	که نوبت بود هر زمان از کسی
مکش گردن از رای ما زینهار	سر خویش نه بر خط روزگار

(قاسمی، ۲۵۰)

برای مشاهده شواهد بیشتر بنگرید به: (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۴۹، ۵۲، ۵۳)

۸. بن‌مایه‌ها و مضامین ادبی در شواهد شعری شاه‌اسماعیل‌نامه در تاریخ ایلچی

در این پژوهش به معنی عام بن‌مایه نظر شده و به تأمل و ژرف‌اندیشی در مورد پاره‌ای از عبارات و کلماتی که در این اشعار آمده و در تمامی آثار ادبی نیز از دیرباز تا به امروز تکرار شده و ذهن خواننده را به دلیل و منشأ آن معطوف می‌گرداند پرداخته شده است. تعریف عام بن‌مایه در ادبیات عبارت از: «درون‌مایه، تصویر خیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا و رنگ یا کلمه و عبارتی که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار می‌شود» (میر صادقی، ۱۳۷۷: ذیل بن‌مایه).

۱.۸ اعتقادات نجومی

دانش نجوم از نگاه انسان‌های دوره‌های کهن در تمام شئون زندگی شخصی و اجتماعی بشر دخالت مستقیم داشته و به عنوان محرمانه‌ترین و مهم‌ترین علوم به حساب آمده است. به عقیده "بیکرمن"، «زیر بنای فکر اخترشناسی اندیشه‌ای مذهبی بوده است، زیرا انسان باستانی، ستارگان را ایزدانی نیرومند و توانا می‌پنداشته و بر این باور بوده است که سرنوشت و بخت آدمی در گرو تأثیر آنهاست» (۱۳۸۴: ۲۳۴).

جلوه‌های تصاویر نجومی در دیوان‌های شاعران به ویژه از سده پنجم هجری به بعد به چشم می‌خورد. گنبد آسمان به لحاظ ثبات و عظمت آن و به لحاظ اینکه مبدأ گردش افلاک و حرکات دیگر در جهان مادونش است، توزیع کننده‌ی بخت تعیین شده است. همچنین نشان دادن نقش و تأثیر ستارگان بر زندگی و سرنوشت انسان‌ها، یکی از درون‌مایه‌های مورد علاقه‌ی شاعران و نویسندگان بزرگ فارسی است. در چهار مورد از اشعار مذکور نیز رد پای این اعتقادات به چشم می‌خورد، نمونه‌ای از آن:

موضوع: شکست سلطان مراد در جنگ با شاه اسماعیل.

شاهد: «سلطان مراد دست از ملک و مال بازداشته روی به بادیه نامرادی نهاد» (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۲).

صد حيله سلطان برگشته حال	ین رفت از آن عرصه‌گاه ملال
رد اختر بختشان یآوری	سلطان به جا ماند نه لشکری

(قاسمی، ۲۶۸)

برای مشاهده شواهد دیگر بنگرید به: (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۹، ۳۰، ۵۲)

۲.۸ اسطوره و تلمیح

شعر با اسطوره گره خورده است. اسطوره با بیانی نمادین، به شکوفایی شعر و چند لایه شدن اثر کمک می‌کند. هیچ دوره‌ای را نمی‌توان سراغ گرفت، که روح سیال اسطوره، در شعر فارسی رایج نبوده باشد. شاعر با توسل به اسطوره سازی و یا ذکر اساطیر گذشته در شعر خود، سعی در به تصویر کشیدن زمان و مکان و شخصیت‌هایی آرمانی دارد که انسان را در رسیدن به احساس ناب آرمان‌گرایانه یاری می‌کند. "شفیعی کدکنی"، اساطیر هر ملت را یادگار ذهن‌های شاعری می‌داند که در طول زمان، با نیروی خلاق خود، هر یک از جوانب حیات انسانی را به رمزی شاعرانه بدل کرده‌اند، آرزوهایی که بشر در طول تاریخ داشته، در خلال این اساطیر تعبیرهایی شاعرانه یافته و نسل به نسل روایت شده است و با گذشت روزگار، در هاله‌ی خیال شاعرانه‌ی نسل‌های مختلف متبلور شده است (۱۳۹۳: ۲۳۴). همچنین یکی از امکاناتی که شاعر می‌تواند نقش خیال‌انگیزی در شعر را به کمال برساند تلمیح است؛ که شاعر بر تبیین و اثبات سخن خود اشاراتی ضمنی به آیات و احادیث یا داستان‌های معروف دارد (رک: فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۴۴).

در بیت زیر دو اسطوره ملی: رستم - برترین پهلوان شاهنامه - در حالی که مبراً از ضعف‌های انسانی نیست، تمام صفات یک مرد آرمانی را در خود دارد. درمدتی طولانی از تمام مواهب زندگی بهره می‌برد. هم بر نیروی بدنی خود تکیه دارد و هم بر نیروی معنوی خود، هم سربلند زندگی می‌کند و هم کامیاب و تا آنجا که یک بشر خاکی بتواند بر طبیعت قهار مسلط شود، او تسلط دارد. در عین حال، چون انسان است، سرنوشت او جدا از سرنوشت انسان‌ها، یعنی عاری از بعضی ناکامی‌ها نیست (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵: ۲۵۸). و اسفندیار- پهلوان دوم شاهنامه- «کسی است که بزرگی و گردی و نام بلند دارد و به نزد گرانمایگان ارجمند است» (فردوسی، ۱۳۸۲: ۳۷۶-۳۸۷). هم شاهزاده است هم جهان پهلوان. می‌تواند در قالب اسوه و راهبر در ذهن مخاطبین جایگیر و اثربخش باشند. از طرف دیگر این شعر تلمیحی دارد به داستان نبرد رستم و اسفندیار در شاهنامه، برای خواننده‌ای که آگاهی از آن دارد و می‌داند که اسفندیار رویین‌تن به جنگ مردی می‌رود که ششصد سال دیو و دد را مغلوب خویش ساخته، می‌تواند درس‌ها داشته باشد که مجال سخن در اینجا نیست.

موضوع: از زبان جمعی از هم‌دستان سلطان مراد.

شاهد: «لاجرم زبان به لاف و گزاف برگشاده جمعی دیگر با او در این امر هم‌دستان شده گفتند:» (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۰).

تو هم نیستی کم ز اسفندیار

بود خصم اگر رستم روزگار

(قاسمی، ۲۳۳)

۳.۸ استفاده از عناصر طبیعت

در روایات ایرانی از چهار عنصر آتش، باد، آب و خاک تحت عنوان امهات سفلی و از هفت آسمان به عنوان آباء علوی یاد شده است و اعتقاد بر این است که از آمیزش چهار عنصر با هفت آسمان، هستی ترکیب و آفرینش یافته است و در پی آن جماد و نبات و حیوان به وجود آمده‌اند (زمردی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). اشعار فارسی در طول تاریخ ادبیات، تنوع رابطه‌ی انسان و طبیعت را در خود متجلی ساخته است. در این بین، ادبیات حماسی که کهن‌ترین رابطه را در بر دارد؛ در دوره‌های قدیم، طبیعت را مسلط بر انسان می‌دانسته و پدیده‌های آن را به شکل ایزدان و خدایان و دیوان ترسیم می‌کند. این نگرش، بعدها با گذر زمان و افزایش آگاهی انسان در قالب استفاده‌هایی نمادین در توصیفات و تصویرسازی‌ها نمود یافت. در بیت زیر از دو عنصر باد و آتش استفاده شده است. عنصر باد در ادبیات، جلوه‌ها و چهره‌های گوناگونی داشته است. «در نوشته‌های پهلوی، باد هم به صورت ایزد باد و هم دیو باد آمده است» (عقیقی، ۱۳۷۴: ۴۵۴). در اینجا وجه نمادین آن مد نظر بوده و از آنجا که پرتکاپوترین و در عین حال نامرئی‌ترین عنصر طبیعت به شمار رفته، بارزترین نمود آن «در حرکت» تجسم یافته است، لفظ «بادپایان» اغلب برای اسبان به کار می‌رود.

عنصر آتش هم به عنوان پدیده‌ای دارای زیرساخت‌های اسطوره‌ای و عقیدتی در شعر و ادبیات فارسی حضوری خاص دارد. ترکیب «آتش‌نهاد» می‌تواند یادآور این عقیده کهن باشد؛ که آتش در نهاد کلیه‌ی موجودات و مولید طبیعت به ودیعت نهاده شده و گوهر زندگانی انسان و همه‌ی جانوران و نیز حرارت درونی و غریزی موجودات به شمار می‌رود. منبع اصلی وجود و فعالیت آدمی از آتش است. آتش معنوی در نباتات و جمادات نیز ساری و جاری است (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۲). نمونه:

موضوع: در بیان حرکت موبک شاهی از ییلاق ساوخ بلاغ به سمت خراسان.

شاهد: «حضرت شاه گردون غلام در تابستان سنه سبع و ثلاثین و تسعمایه [۹۳۷] از بیلاق ساوخ‌بلاغ به عزم سفر خراسان به حرکت درآمد کوچ بر کوچ می‌رفت» (حسینی، ۱۰۷).

روان بادپایان آتش‌نهاد به گرمی جو آتش به تندی جو باد

(قاسمی، ۳۰۲)

۴.۸ استفاده از لفظ دیو

وجود دیوان در ادب فارسی جزء باورهای ماوراء طبیعی و خارق‌العاده‌ی اسطوره‌ای محسوب می‌شود. در اسطوره‌ی آفرینش آمده است که پس از آنکه اهورامزدا دست به آفرینش جهان مینوی و مادی زد و امشاسپندان و ایزدان و فروهرها پدید آمدند، اهریمن هم بیکار ننشست و دست به آفرینش جهان بدی زد (عفیفی، ۱۳۷۴: ۵۲۳).

«درده‌ی موجودات بد مینوی پس از اهریمن، کماریکان یا کمالگان یا سردیوان قرار دارند که آفریده اهریمن‌اند» (بهار، ۱۳۸۱: ۱۲۱). این باور هم وجود دارد که، هنگامی که آریاییان در منطقه ایران‌ویج از یکدیگر جدا شدند گروهی از آن‌ها به سمت سیستان رفتند. در این منطقه با ایرانیان سیاه‌پوست مواجه گشته و با آن‌ها جنگیدند. بعدها این جنگ‌ها در قالب افسانه در کتاب شاهنامه به جنگ ایرانیان و دیوان مشهور شده‌است (مشکور، ۱۳۶۷: ۶۵).

در آثار ادبی دیو همواره سمبل تاریکی است و در مقابله با نور قرار می‌گیرد. با آمدن نور و دمیدن صبح تمامی دیوان ناپدید می‌شوند. در این ابیات، رهنان به دیوان تشبیه شده‌اند. نمونه:

موضوع: در بیان از میان برداشتن گروهی از اشرار.

شاهد: «امرا به موجب فرمان ایلغار کرده چون قضای مبرم بر سر آن گروه شرار رسیده تیغ کین بر آن جفاکاران مفسد لعین نهادند» (حسینی، ۳۲).

برآمد ز دیوان رهن غریو سراسیمه دیوانگان همچو دیو
گریزان شده زنگی خانه‌سوز بدان‌سان که خیل شب از ترک روز

(قاسمی، ۲۹۰-۲۹۲)

۵.۸ استفاده از تمثیل

یکی از شگردهای بیان هنری در کلام، آوردن مثل یا مطلبی همه فهم است؛ که به دلیل غنی بودن مفهوم آن با استقبال عامه مواجه می‌شود. چنانچه به گفته «همایی» آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده ممکن است بیش از چند بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد (۱۳۷۷، ۳۰۰-۲۹۹). آب خضر یا آب حیات یکی از تمثیل‌های معروف و رایج در فرهنگ و ادبیات فارسی است که در اشعار شاعران در مفاهیم گوناگون تجلی یافته است. «آرزوی رسیدن به زندگی جاودان در باورهای مردم، موجب شکل‌گیری نظریه آب حیات گشته است» (اسفندیاری مهنی و خدایاری، ۱۳۹۱: ۲۴). همچنین واژه‌ی مار، که ریشه‌ی آن با مردن یکی است به زبان پهلوی (mar) و به زبان سانسکریت مارا (mara) که به معنی کشنده و میراننده هم می‌باشد (برهان قاطع)؛ رفتاری چندگانه در شعرها و نگاه‌های شاعران زبان فارسی داشته است. در اینجا در تقابل با آب خضر که نشانه‌ی حیات جاودان است استفاده شده است.

موضوع: در بیان طغیان یکی از امرای لر (محمد کرای)

شاهد: «خیال فاسد او را بر آن داشت که دم از استیلا و استقلال زند» (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۹).

گدا چون ز افسر شود بهره‌مند
زنخوت کشد سر به چرخ بلند
مکن سقله را تربیت زینهار
مپرور به آب خضر زهر مار

(قاسمی، ۲۷۵)

همچنین برای مشاهده شواهد دیگر بنگرید به: (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶، ۴۹، ۵۳)

۸ نمود اعتقادات شیعی

شاعر و نویسنده در خلال اثر خویش به نحو مؤثری طرز فکر و اندیشه حاکم بر اجتماع زمان خود را بازگو می‌کند، زیرا اندیشه‌ی او اندیشه‌ی غالب آن دوره خواهد بود و نمی‌تواند از آن تخطی نماید. با توجه به نقش مؤثر شاه اسماعیل در ترویج مذهب شیعه، و از آنجا که وی خود را در اشاعه شیعه مأموری می‌دانست که از جانب «خدای عالم و حضرات ائمه معصومین» موظف به اجرای فرمان بود و همچنین، «شاه اسماعیل به مریدانش تأکید می‌کرد که همه حرکات وی طبق دستور دوازده امام است» (شیبی، ۱۳۹۴: ۳۸۹). و نیز وی کسی بود که مذهب شیعه اثنی عشری را مذهب رسمی کشور کرد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۹). بیان عقاید شیعی در اشعار قاسمی بارز است. دو نمونه از این اشعار در موارد زیر بکار رفته است.

موضوع: کشته شدن سلطان حیدر در نبرد با شروانیان.

شاهد: «عاقبت سپاه سلطان حیدر منهزم گشته در اثنای کارزار تیری بر بدن مبارک آن حضرت رسید و شربت شهادت درکشید» (حسینی، ۴).

حسینی گرفتار آل یزید
ز روی جفا و ستم شد شهید

(قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

از بین حوادث اسلامی، امکان ندارد واقعه‌ی عاشورا از دفتر ذهن مسلمانان و به خصوص شیعیان پاک شود. دل‌بستگی شاعر به فرهنگ اسلامی و عشق به انسان‌های کامل تا جایی است که با تقدس بخشیدن به روایت آنها، شعرهایی ناب می‌سازد. خورشاه با بیان شهید شدن سلطان حیدر (پدر شاه اسماعیل) به شعری از شاه اسماعیل نامه - که در متن آن کتاب هم به مناسبت همین موضوع آورده شده است - استناد کرده؛ که یادآور حماسی‌ترین نهضت و پراوازه‌ترین قیام خونین تاریخ است. حماسه‌ای که نشان شجاعت، قدرت، بزرگواری، عظمت روح و ایمان است.

همچنین در مذهب شیعه، زیارت امامان، جزئی از آیین‌های مهم مذهبی به شمار می‌آید.

«امام رضا (ع) زیارت را عهد و پیمانی بر عهده دو ستان و شیعیان‌شان معرفی کرده‌اند» (حرّ عاملی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۲۵۳).

موضوع: در بیان زیارت و دعای شاه اسماعیل در حرم امام رضا (ع) قبل از جنگ با شییک خان.

شاهد: «و بعد از تقبیل آستان [امام الجن و الانس علی ابن موسی الرضا علیه السلام] به سوی خصم روان شد».

بیوسید آن آستان بلند
چو شد فارغ از طوف آن بارگاه
مسیحا شد از آسمان بهره‌مند
از آنجا روان شد به خیل و سپاه

(قاسمی، ۳۲۲-۳۲۳)

۷.۸ سرزمین توران

پیش از دوره متوسط تاریخ ایران، نام توران برای تعیین سرزمین‌هایی که در شمال شرق ایران قرار گرفته‌اند به کار برده می‌شد (صفا، ۱۳۹۰: ۵۹۰). در شاهنامه‌ی حکیم فردوسی به کرات از تقابل و تعامل دو سرزمین ایران و توران یاد شده است. «تور در واقع یک دسته‌ای از ایرانیان‌اند که از حیث تمدن پست‌تر بوده‌اند» (پورداوود، ۱۳۸۹: ۹۱). در نوشته‌هایی که از دوره صفویه به‌جا مانده، «آسیای میانه و دولت شیانیان ازبک» را توران می‌خواندند. همچنین در برخی متون با عنوان ماورالنهر نیز ذکر گردیده است. نمونه:

موضوع: در بیان کوچ بعضی از امیران و خانان از ترس رسیدن لشکر شاه.

شاهد: «کوچانیده همراه به ماوراء النهر برد و در دیار خراسان از فرق اوزبکان دیار نماند» (حسینی، ۶۱).

چو دیدند خانان گردن فراز که آمد سوی بیشه آن شیر باز
چو شیران همه بیشه پرداختند به آهنگ توران فرس تاختند

(قاسمی، ۳۴۰)

۸.۸ استفاده خاص از الفاظ

در اشعار قاسمی لفظ «تفک» بسیار بکار رفته؛ که در معنای همان تفنگ است. بیت زیر در توصیف جنگ برای تسخیر حصار آمده است:

روش تفک از ثریا گذشت برها شکست از سپرها گذشت

(قاسمی، ۲۰۵)

در کتاب تاریخ ایلچی، خورشاه برای بیان رویدادهای مختلف تاریخی، درخصوص شاه اسماعیل و موارد اندک درباره شاه طهماسب از قبیل: تولد و وفات، بر تخت نشستن، مسافرت‌ها، جنگ‌ها، عهدشکنی‌ها، فتنه‌ها، انتقام‌گیری‌ها، عزل و نصب‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها، کشورگشایی‌ها، قلعه‌گشایی‌ها، پیغام‌رسانی‌ها، نصایح، بیان اعتقادات، توصیفات (صحنه‌های جنگ؛ سپاهیان؛ مرکبها؛ قلاع؛ شهرها) و نتیجه‌گیری‌های اخلاقی در قالب مثل، اشعاری از شاه اسماعیل‌نامه را درج کرده که در هماهنگی با موضوعات و به طریق تکمیل و تمیم و یا صحه گذاشتن بر متن است و بین شعر و نثر تناسب قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌گردد. ۴۱ بیت از این اشعار با کارکرد روایی منظور گردیده‌اند که؛ به جز یک مورد آن که برای بیان مسافرت شاه طهماسب، از شعری درباره‌ی مسافرت شاه اسماعیل استفاده شده، دیگر موارد در دو کتاب از نظر موضوعی کاملاً هم‌خوانی و مطابقت دارند. همچنین ۱۲ بیت از اشعار با کارکرد وصفی ذکر گردیده‌اند که به جز یک مورد که در مورد توصیف دو شهر مختلف هست سایر موارد هم‌خوانی دارند. ۱۸ بیت هم اشعار با کارکرد اخلاقی، با مضامینی از قبیل یادآوری بی‌وفایی و بدعهدی روزگار، ضرورت داشتن اعتماد به نفس و عدم خودکم بینی، موقعیت سنجی، مرگ‌باوری، عدم تأثیر تربیت بر انسان بد سرشت، نکوهش نخوت و غرور، نگره داشتن پیوند دوستی منظور شده‌اند که؛ از نظر موضوعی در دو کتاب (نثر و شعر) هم‌خوانی دارند. و در مجموع ۷۵ بیت از اشعار شاه اسماعیل‌نامه در کتاب تاریخ ایلچی درج گردیده است. این ابیات هم در زینت و آراستگی کلام و هم در برجسته‌سازی معنای متن تأثیرگذار بوده‌اند. در خلال این اشعار، موضع‌گیری‌ها، باورها، تمثیل‌ها، گلایه‌ها، ذکر ملوک و اکابر، دانش نجوم، شخصیت‌سازی و قهرمان‌سازی و بیان سیاست‌ها و برخی مضامین کهن و اسطوره‌ای مشاهده گردید. و استفاده‌ی به‌جا و هنرمندانه از این ابیات در متن و هماهنگی و هم‌آوایی و رابطه‌ی منطقی بین این دو در بخشیدن کیفیت ادبی و حماسی به متن تاریخی مؤثر بوده است.

پی‌نوشت:

- ۱ - پادشاه سلسله نظام شاهیه هندوستان؛ که تحت تأثیر شاه طاهر به مذهب شیعه پیوست (استرآبادی، ۱۳۸۷، مقدمه: ۲۷).
- ۲ - شاعر و ادیب همدانی قرن دهم؛ که از بیم شاه اسماعیل به دربار نظام شاهیان هند راه یافت (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۷۹۱).
- ۳ - چهارمین پادشاه از سلسله قطب شاهیان در خلکنده هندوستان. وی شیعی مذهب بوده است (۹۵۷-۹۸۹ ه.ق.) (طباطبا، ۱۳۱۵: ۵۲۸).
- ۴ - پادشاه شیروان (صفا، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۷).
- ۵ - از آخرین امرای سلسله آق‌قویونلو بود؛ که صاحب عراق عرب و عجم و فارس شد و سرانجام در سال ۹۰۸ ق از شاه اسماعیل در همدان شکست خورد (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، ۶۵۹).
- ۶ - حاکم فیروزکوه، دماوند، خوار و همدان (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۸، ۵۴۸).
- ۷ - از امرای لر؛ حاکم یزد و ابرقو (حسینی، ۱۳۷۹، ۲۹).
- ۸ - نام شهری در سرزمین روم (ترکیه فعلی) (نوابی، ۱۳۵۶: ۹۲).
- ۹ - مؤسس سلسله ازبکان (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، ۶۶۴).

۱۰ - دومین پادشاه سلسله گورکانیان هند در سال ۹۰۷ ق(رازی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۴۶-۴۶۱).

۱۱- آخرین امیر سلسله آق قویونلو بود؛ که در سال ۹۰۶ به حکمرانی دیاربکر و آذربایجان رسید و در سال

۹۰۷ در نبرد با شاه اسماعیل در منطقه نخجوان شکست خورد (تتوی و قزوینی، ج ۸، ۵۴۷۵-۵۴۷۷).

۱. استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۷)، *تاریخ فرشته از آغاز تا بابر*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۲. اسفندیاری مهنی، فاطمه و خدایاری، خدیجه (۱۳۹۱)، «جنبه خیر و شر و جاندارانگاری آب در شاهنامه»، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال اول، شماره اول، ص ۲۰-۳۰.
۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۵)، *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴. امین، سید حسن (۱۳۸۸)، «سابقه‌ی تواریخ منظوم فارسی»، میراث شهاب، شماره ۵۶ و ۵۵، ص ۳۳-۳۷.
۵. برومند سعید، جواد (۱۳۷۸)، *زایش دوباره*، چاپ اول، کرمان، انتشارات خدمات فرهنگی
۶. بهار، مهرداد (۱۳۸۱)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، جلد چهارم، تهران، آگه.
۷. بیکرمن، ئی، هنینگ، دبلیوی و دیگران (۱۳۸۴)، *علم در ایران و شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان و قطر.
۸. برین، لارنس (۱۳۷۶)، *درباره شعر*، ترجمه فاطمه راکعی، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.
۹. پوردوود، ابراهیم (۱۳۸۹)، *گات‌ها*، چاپ سوم، تهران، اساطیر.
۱۰. پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه*، چاپ نهم، تهران، خیام.
۱۱. تتوی، احمد و قزوینی، آصف (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، جلد هشتم، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۲. ثمینی، نغمه (۱۳۷۹)، *عشق و شعبله؛ پژوهشی در هزارو یکشب*، تهران، مرکز.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، *وسائل الشیعہ*، ترجمه علی صحت، قم، آل البیت.
۱۴. حسن آبادی، محمود و رضایی شعبان (۱۳۹۵)، «بازتاب شاهنامه‌ی فردوسی در شاه اسماعیل‌نامه‌ی قاسمی گنابادی»، پاژ، شماره ۲۱، ص ۲۳-۵۶.
۱۵. حسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹)، *تاریخ ایلیچی نظام شاه*، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۶. خطیبی، حسین (۱۳۶۶)، *فن نثر در ادب فارسی*، چاپ اول، تهران، زوار.
۱۷. خلف تبریزی، محمد حسین (۱۳۶۱)، *برهان قاطع*، چاپ دکتر معین، تهران، امیرکبیر.
۱۸. رازی، امین‌احمد (۱۳۷۸)، *تذکره هفت اقلیم*، جلد اول، چاپ سید محمد طاهری، تهران، سروش
۱۹. رستگارفسایی، منصور (۱۳۸۰)، *انواع شعر فارسی*، چاپ دوم، شیراز، نوید.
۲۰. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، *شعر بی‌دروغ؛ شعر بی‌نقاب*، چاپ هشتم، تهران، علمی.
۲۱. شریف‌زاده، سیدعبدالحمید و رجبی، محمدعلی و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، «تبیین جنبه‌های نوآورانه و خلاقیت تصویری در شاهنامه قاسمی»، نگره، شماره ۲۲، ص ۳۸-۵۵.
۲۲. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، *موسیقی شعر*، چاپ پانزدهم، تهران، آگه.
۲۳. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، *صور خیال در شعر فارسی*، چاپ هفدهم، تهران، آگه.
۲۴. شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، *سبک شناسی نثر*، چاپ سوم، تهران، میترا.
۲۵. شهردان بن ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، *نزهت‌نامه علایی*، تصحیح فرهنگ جهان‌پور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

۲۶. شیخی، کامل مصطفی (۱۳۹۴)، *تشیع و تصوّف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علی رضا ذکاوتی قرا گزلو، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر.
۲۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد دوم و چهارم و پنجم، چاپ هشتم، تهران، فردوس.
۲۸. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۱)، «حماسه‌های تاریخی و دینی در عهد صفوی»، ایران‌نامه، شماره ۱، ص ۵-۲۱.
۲۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۰)، *حماسه‌سرایی در ایران*، چاپ پنجم، تهران، فردوس.
۳۰. طباطبای، علی بن عزیزالله (۱۳۱۵)، *برهان مآثر*، دهلی: جامعه دهلی.
۳۱. عقیقی، رحیم (۱۳۷۴)، *اساطیر و فرهنگ ایران*، تهران، توس.
۳۲. فراهانی، رقیه (۱۳۸۸)، «اسماعیل‌نامه: شعر و تاریخ». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۲.
۳۳. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *رزم‌نامه رستم و اسفندیار*، شرح جعفر شعار و حسن انوری، چاپ بیست و پنجم، تهران، قطره.
۳۴. فشارکی، محمد (۱۳۷۹)، *نقد بدیع*، چاپ اول، تهران، سمت.
۳۵. قاسمی‌حسینی‌گنابادی، شاه اسماعیل‌نامه (۱۳۸۷)، *شاه اسماعیل‌نامه*، چاپ جعفر شجاع‌کيهانی، چاپ اول، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۳۶. قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فوائد‌الصفویه*، چاپ دکتر مریم میراحمدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۷. کاتبی، حسینقلی (۱۳۵۶)، *ادب و ادبیات*، چاپ اول، تهران، آبان.
۳۸. گریس، ویلیام جی (۱۳۶۷)، *ادبیات و بازتاب آن*، ترجمه بهروز عزب دفتری، چاپ اول، تبریز، نیما.
۳۹. گلچین‌معانی، احمد (۱۳۶۹)، *کاروان هند*، جلد دوم، چاپ اول، مشهد، آستان قدس.
۴۰. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۷)، *ایران در عهد باستان؛ در تاریخ اقوام و پادشاهان پیشین*، چاپ پنجم، تهران، اشرافی.
۴۱. میرصادقی، جمال و میمنت (۱۳۷۷)، *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*، تهران، کتاب مهناز.
۴۲. نسفی، عزیزالدین (۱۳۴۱)، کتاب *الانسان الکامل*، تصحیح مازیان موله، تهران، انستیتو ایران-فرانسه
۴۳. نفیسی، نوشین‌دخت (۱۳۷۸)، «مجلس‌های نگاره شاهنامه قاسمی»، وقف میراث جاویدان، زمستان، شماره ۲۸، ص ۱۰۹-۱۱۴.
۴۴. نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۶)، *اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل*، چاپ اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۵. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، هما.
۴۶. یاحقی، جعفر (۱۳۶۹)، *فرهنگ اساطیر و اشاره‌های داستانی ادبیات فارسی*، چاپ اول، تهران، سروش.

